

علل، اسباب و نوع‌شناسی اختلافات در قراردادهای نفتی

(مقاله علمی - پژوهشی)

انسبیه مهاجری *

محمودرضا فیروزمند **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۴

چکیده

آثار منفی بروز اختلافات بر روابط قراردادی و هزینه‌های طرفین به خصوص در قراردادهای نفتی در حوزه بالادستی، چگونگی مواجهه با اختلافات را به یکی از دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران و طرفین قراردادهای مزبور تبدیل نموده است. پیشگیری از بروز اختلافات یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه است. این مهم ممکن نیست، مگر با شناخت دقیق و تبیین علل و اسباب بروز اختلافات. مطالعه دعاوی و آرای داوری و قضایی، بروز ریسک‌ها در طول اجرای قرارداد را از اصلی‌ترین علل پیدایش اختلافات معرفی می‌نماید. امری که خود ریشه در ویژگی‌های خاص هر قرارداد دارد. بنابراین شناسایی و تبیین این ویژگی‌ها اولین گام در فرایند پیشگیری از بروز اختلافات خواهد بود. با تمرکز بر ارکان تشکیل‌دهنده یک رابطه قراردادی، می‌توان گفت عوامل پیدایش اختلاف یا مرتبط با موضوع خاص یک قرارداد یا مربوط به وضعیت خاص طرف‌های آن قرارداد هستند. به بیان دیگر، اختلافات قراردادی یا به علل موضوعی ایجاد می‌شوند یا به علل شخصی. بر همین اساس علل بروز اختلافات در قراردادهای بالادستی نفتی را می‌توان ناشی از ویژگی‌های مرتبط با ماهیت این قراردادها به عنوان قراردادهای توسعه اقتصادی، ویژگی‌های مرتبط با موضوع آنها از جمله ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های عملیات نفتی، وسعت مکانی این پروژه‌ها، حساسیت‌های خاص اجتماعی و سیاسی نسبت به صنعت نفت، یا ویژگی‌های ناشی از وضعیت خاص ذی‌نفعان این قراردادها و بازیگران متعدد آنها دانست.

کلیدواژگان:

قراردادهای نفتی، ریسک، اختلاف، علل بروز اختلاف.

* دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشگاه شهید بهشتی

e_mohajeri@sbu.ac.ir

** استادیار، دانشکده نفت، دانشگاه صنعت نفت (نویسنده مسئول)

mrffiroozmand@put.ac.ir

مقدمه

قراردادهای نفتی به‌خصوص در حوزه بالادستی، نوعاً متعلق به دسته قراردادهای زیرساختی^۱، با ویژگی‌های عمومی قراردادهای مزبور هستند. اما ویژگی‌های انحصاری صنعت بالادستی نفت و گاز از جمله ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های عملیات اکتشاف و توسعه نفت و حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی خاص نسبت به این صنعت، آن را از سایر صنایع مشابه، متمایز ساخته است.^۲ همه این عوامل در کنار بازیگران متعدد داخلی و بین‌المللی در صنعت نفت، این قراردادها را مستعد بروز اختلافات بیشتری نسبت به سایر قراردادها نموده است.

تبعات و هزینه‌های ناشی از رسیدگی قضایی یا داوری اختلافات برای طرفین، اهمیت پیشگیری از اختلافات و به دیگر معنی اجرای پروژه به دور از تنش و اختلاف را دو چندان می‌نماید؛ امری که تنها با شناخت دقیق و تبیین علل و اسباب بروز اختلافات میسر می‌گردد. شناسایی علل و اسباب بروز اختلافات با تکیه بر آرای داوری و قضایی بین‌المللی و داخلی در اختلافات عمده نفتی و بر این مبنا نوع‌شناسی اختلافات در قراردادهای نفتی، هدف اصلی این نوشتار است. در این راستا، نخستین پرسش این است که آیا ارتباط معناداری بین ویژگی‌های ماهیتی، موضوعی و وضعیت خاص ذی‌نفعان قراردادهای نفتی و وقوع ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها و به تبع آن اختلافات در این قراردادها وجود دارد؟ پرسش دیگر این است که آیا می‌توان بر مبنای این ارتباط، الگویی برای دسته‌بندی اختلافات تعیین نمود؟

بنابراین در بخش اول این نوشتار ابتدا ماهیت و موضوع خاص قراردادهای نفتی شامل خصایص عمومی و سپس ویژگی‌های انحصاری ناشی از موضوع قراردادهای مزبور و در بخش دوم وضعیت خاص ذی‌نفعان قراردادهای نفتی بررسی خواهد شد. در هر بخش ریسک‌های مرتبط با این خصایص و رابطه آنها با اختلافات مطروحه بررسی و علل و اسباب بروز اختلافات تبیین خواهد شد. نهایتاً با توجه به علل بروز اختلافات در این قراردادها، انواع اختلافات در

1. Infrastructure Contracts

۲. برخی صاحب‌نظران معتقدند این تمایز منجر به حکومت نظام حقوقی مستقل و خاصی تحت عنوان لکس پترولیا بر قراردادهای نفتی شده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: شافع، میرشهبیز، «لکس پترولیا»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

قراردادهای بالادستی نفتی به دو دسته اختلافات مرتبط با علل موضوعی و علل شخصی دسته‌بندی می‌گردند.

۱. ماهیت و موضوع خاص قراردادهای نفتی

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، ویژگی‌های عمومی و انحصاری ناشی از ماهیت و موضوع خاص قراردادهای نفتی، آنها را مستعد بروز ریسک‌هایی نموده که هر کدام ممکن است بستری برای بروز اختلافات بین ذی‌نفعان قرارداد باشد. از این رو، بررسی ماهیت خاص قراردادهای نفتی و ویژگی‌های ناشی از ماهیت و موضوع خاص قراردادهای نفتی، گام مهمی در تبیین علل و اسباب بروز اختلافات در قراردادهای نفتی است.

ماهیت قراردادهای نفتی از دیرباز در آرا داوری و آثار علمای حقوق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در دعوی شرکت نفتی لیامکو^۱ علیه لیبی از این قراردادها به عنوان قراردادهای شبه عمومی یاد شده است.^۲ وردروس این عقود را قراردادهای «شبه بین‌المللی»^۳ و هاید این دسته قراردادهای را «موافقتنامه‌های توسعه اقتصادی»^۴ می‌نامد.^۵

به عقیده لرد مک نیر، برخی از مهم‌ترین خصائص موافقتنامه‌های توسعه اقتصادی که عموماً در صنایع زیرساختی کاربرد دارند، عبارت‌اند از: انعقاد بین دولت و یک شرکت خارجی؛ با موضوع بهره‌برداری‌های طولانی مدت از منابع طبیعی؛ صرف هزینه‌های سرمایه‌ای هنگفت در ایجاد تأسیسات دائمی و اعطای انگیزه‌ها و مشوق‌های گسترده از سوی دولت میزبان برای سرمایه‌گذاران خارجی از قبیل معافیت از مالیات و عوارض گمرکی.^۶

بنابراین مهم‌ترین خصیصه‌های عمومی قراردادهای بالادستی نفتی عبارت‌اند از:

1. LIAMCO
2. 20 ILM 1(1981) at 29.
3. Quasi International Agreements
4. Economic Development Agreements (EDA).
5. Hyde, J. "Permanent Sovereignty over Natural Wealth and Resources", 50 *A.J.I.L.* 854, 1956, p 862.
6. McNair, "The General Principles of Law Recognized by Civilized Nations", 33 *BRIT. Y.B. INT'L L.* 1, 1957, pp 2-4.

۱.۱. خصوصیات عمومی قراردادهای نفتی

۱.۱.۱. حضور دولت در قراردادهای نفتی

در قریب به اتفاق کشورهای صاحب منابع نفت و گاز، اعمال مالکیت بر منابع هیدروکربوری برعهده دولت‌هاست.^۱ از این رو در غالب قراردادهای بالادستی نفتی، دولت‌ها به عنوان یکی از طرفین قرارداد شناخته می‌شوند و از این منظر این عقود در دسته قراردادهای دولتی^۲ قرار می‌گیرند. به طور کلی حضور دولت در یک رابطه قراردادی، آن رابطه را نسبت به برخی ریسک‌ها به‌خصوص ریسک‌های سیاسی^۳ و بروز اختلافات حساس‌تر می‌نماید. این موضوع و آثار آن ذیل عنوان وضعیت خاص ذی‌نفعان قرارداد به طور مستقل تبیین خواهد شد.

۱.۱.۲. سرمایه‌بر بودن پروژه‌های نفتی

حجم و وسعت پروژه‌های زیرساختی، مستلزم جذب سرمایه‌های عظیم بوده و آنها را در زمره قراردادهای سرمایه‌بر قرار می‌دهد. از این میان، پروژه‌های بالادستی نفتی، از جمله طرح‌ها و پروژه‌های بسیار سرمایه‌بر و نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه‌ی هنگفتی هستند. طبق آخرین آمار منتشره هزینه تولید روزانه یک بشکه نفت خام، بین ۸ تا ۴۵ دلار شامل هزینه سرمایه‌ای برابر ۴ تا ۲۳ دلار، بسته به کشور محل برداشت نفت، ذکر شده است.^۴ بر این اساس و با در نظر گرفتن لزوم هزینه‌کرد بخش عمده‌ای از سرمایه در مراحل اولیه‌ی اکتشاف و توسعه، تولید یک بشکه ظرفیت روزانه نفت خام، نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه بین ۱۵ تا ۴۰ هزار دلار است.

نیاز پروژه‌های نفتی به حجم بالای سرمایه و غیرقابل بازیافت بودن سرمایه مزبور در کوتاه مدت،^۵ آسیب‌پذیری این پروژه‌ها را در مقابل ریسک‌های مختلف بیشتر می‌نماید. به بیان دیگر، مطابق با مدل ورنن راجع به تغییر توازن قدرت چانه‌زنی طرفین پس از انعقاد قرارداد و در طول اجرای آن،^۶ به دلیل نیاز کشور میزبان به جذب سرمایه، در مذاکرات اولیه منتهی به انعقاد قرارداد، برتری قدرت چانه‌زنی از آن سرمایه‌گذار خواهد بود. اما با انتقال تدریجی سرمایه و دارایی

1. Palmer, B, *Getting the Deal Through: Oil Regulation 2017*, London, Law Business Research Ltd, 2017.

2. State Contract

3. Political Risks

4. WSJ News, The Wall Street Journal: Oil Barrel Breakdown, 2016, available at <http://graphics.wsj.com/oil-barrel-breakdown/> last seen 31 may 2020.

5. Sunk Cost

6. Obsolescing Bargain Model

سرمایه‌گذار به کشور میزبان و هزینه‌کرد آن در طول پروژه، این برتری کاهش یافته و ممکن است دولت میزبان با هدف افزایش سهم خود در قرارداد، محدودیت‌های بیشتری شامل افزایش مالیات تا مصادره کامل اموال و دارایی‌های سرمایه‌گذار را به طرف خارجی تحمیل نماید.^۱

هرچند امروزه گستردگی تعاملات تجاری، دولت‌ها را بر حفظ توازن قدرت چانه‌زنی و امتناع از رفتارهای فرصت‌طلبانه سوق داده، با تغییر نوع مداخلات دولت‌ها این تئوری با اندک تغییراتی همچنان کارایی خود را در قراردادهای نفتی حفظ نموده است^۲ و همان‌گونه که موران اشاره می‌کند، در این پروژه‌ها سرمایه‌گذار همچنان در مقابل وقوع هرگونه ریسک ضربه‌پذیر بوده و قادر نخواهد بود به سهولت سرمایه خود را از کشور میزبان خارج یا در فرایند مذاکرات مجدد طرف مقابل را به ترک پروژه تهدید نماید^۳ که خود منشأ بروز اختلاف بین طرفین برای برقراری مجدد توازن قراردادی است.

۱.۱.۳. طولانی مدت بودن قراردادهای نفتی

اگرچه امروزه انعقاد قراردادهای طولانی مدت نفتی مانند قراردادهای امتیاز سنتی^۴ غیرمعمول است، همچنان قراردادهای بالادستی نفتی، از نظر مدت اجرا و زمان لازم برای استهلاک و بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌ای، در زمره قراردادهای طولانی مدت هستند.

در حال حاضر، مدت قراردادهای امتیازی به ۳۵ تا ۴۰ سال تقلیل یافته که در آن دوره اکتشاف معمولاً بین ۶ تا ۱۰ سال تعریف و در صورت وجود شرایط برای ادامه عملیات توسعه و بهره‌برداری برای مدت ۳۰ تا ۴۰ سال تمدید می‌گردد.^۵ مدت قراردادهای رایج مشارکت در تولید

1. Eden, L. et al., "From the Obsolescing Bargain to the Political Bargaining Model", *Eden-Lenway-Schuler-AIB-2004*.

2. Weiss, S.E., "International Business Negotiation in Globalizing World: Reflections on the Contributions and Future of a (Sub) Field", *11 Int'l Negotiation* 287, 2006.

3. Moran, T.H., "Political and Regulatory Risk in Infrastructure Investment in Developing Countries: Introduction and Overview", *Paper presented at "Private Infrastructure for Development: Confronting Political and Regulatory Risks*, Sept. 8-10, 1999, available at: www.dundee.ac.uk/cepmlp/journal/html/vol5/article5-6a.html.

۴. مدت امتیازنامه ۱۹۰۱ داری ۶۰ سال، قرارداد امتیازی ۱۹۳۳ آرامکو عربستان سعودی نیز ۶۶ سال، امتیازنامه ۱۹۳۴ نفت کویت ۷۵ سال و امتیازنامه ۱۹۳۷ نفت عمان با کمپانی انگلیسی نیز ۷۵ سال بوده است.

(Anderson, O, et al, "International Petroleum Transactions", 3rd Ed, USA: RMMLF, 2010, 430).

5. Smith, E.E., "From Concession to Service Contracts", *Tulsa Law Review*, Volume 27, 1999.

نیز بین ۱۵ تا ۳۰ سال و با توافق طرفین قابل تمدید است.^۱ مدت زمان قراردادهای جدید نفتی ایران نیز ۲۰ سال از تاریخ شروع عملیات توسعه و تحت شرایطی برای مدت ۵ سال قابل تمدید است.^۲ ملاحظه می‌گردد که علی‌رغم کاهش چشمگیر مدت قراردادهای نفتی در نسل‌های اخیر، به اقتضای ماهیت عملیات توسعه و بهره‌برداری از مخازن هیدروکربوری، قراردادهای این صنعت همچنان در زمره قراردادهای بلندمدت بوده و در مقابل وقوع ریسک و بروز اختلاف آسیب‌پذیرترند.

۱.۲. خصوصیات انحصاری فعالیت‌های نفت و گاز

در کنار ویژگی‌های عمومی موافقت‌نامه‌های توسعه اقتصادی، خصوصیات ویژه پروژه‌های نفتی، قراردادهای موضوع بحث را در معرض انواعی از ریسک‌های زمین‌شناسی، فنی، زیست‌محیطی و امنیتی قرار می‌دهد که وقوع آنها غالباً منجر به بروز اختلافات بین ذی‌نفعان متعدد این قراردادها گردیده است.

۱.۲.۱. عملیات نفتی و عدم قطعیت‌های زمین‌شناسی

وضعیت زمین‌شناختی منابع هیدروکربوری شرایط ویژه و انحصاری برای قراردادهای نفتی در حوزه بالادستی ایجاد می‌نماید. به دلیل عدم قطعیت داده‌های زمین‌شناسی علی‌الخصوص در مراحل مطالعاتی اولیه، عملیات اکتشاف از عدم قطعیت بالایی برخوردار بوده و سرمایه‌هنگفتی را که در مرحله اکتشاف هزینه شده است، به سبب عدم دستیابی به تولید تجاری،^۳ در معرض خطر قرار می‌دهد. حتی در صورت اکتشاف موفقیت‌آمیز، ممکن است تغییر رفتار مخزن^۴ در طول مدت قرارداد به دلیل عوامل زمین‌شناسی، توازن اولیه تقسیم منافع قراردادی بین طرفین قرارداد را متأثر نماید. موضوع تولید تجاری یا افت تولید ناشی از تغییر رفتار مخزن که از ویژگی‌های انحصاری بخش بالادستی صنعت نفت محسوب می‌گردد، از عوامل بروز اختلاف بین طرفین در قراردادهای متعدد بوده است.

۱. حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، تهران، انتشارات تیس، ۱۳۹۳- صص ۶۳۵ و ۶۳۹.
۲. تصویب‌نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵.

3. Commercial Production
4. Reservoir Behavior

از دعوی که موضوع اصلی اختلاف در آنها، مفهوم تولید تجاری و آغاز دوره بهره‌برداری در قرارداد و به تبع آن تمدید مدت یا خاتمه قرارداد بوده است، عبارت‌اند از:

“Vance v. Hurley”; “Stanolind Oil & Gas Co. v. Barnhill”, “Transport Oil Co. v. Exeter Oil Co.”; “United Central Oil Corporation v. Helm”, “Cliffton v. Koontz”, “Pan Am Petroleum Corp. v. Shell Oil Co”.

در تمامی دعاوی فوق، دادگاه در تبیین مفهوم تجاری بودن تولید، به ماهیت تجاری قراردادهای نفتی و لزوم تأمین منافع طرفین در طول اجرای قرارداد، تأکید نموده و در نتیجه تولیدی را تجاری و لازمه تمدید مدت قرارداد در پایان دوره اولیه و آغاز دوره بهره‌برداری دانسته است که متضمن ایجاد منافع تجاری برای طرفین قرارداد باشد.^۱

۱.۲.۲. عملیات نفتی و ویژگی‌های فنی

شرایط زمین‌شناختی خاص میدین نفتی از یک طرف به دلیل عدم قطعیت داده‌های زمین‌شناسی و رفتار پیچیده مخزن می‌تواند به طور مستقیم منشأ بروز اختلاف باشد و از طرف دیگر استفاده از فناوری‌های پیچیده در اجرای عملیات موضوع قرارداد را ضروری می‌سازد که خود احتمال وقوع حوادث فنی حین کار را افزایش داده، بستر وقوع ریسک‌های فنی و زیست‌محیطی در قراردادهای موضوع بحث را فراهم می‌آورد. حوادث مزبور نه تنها سبب ورود خسارت به نیروی انسانی و تجهیزات کار می‌گردد، خسارات تبعی و غیر مستقیم آنها به طرفین قرارداد از جمله ایجاد توقف در کار یا تأخیر در انجام تعهدات قراردادی هر یک از طرفین، سوددهی پروژه را متأثر نموده، سبب بروز اختلافات متعدد بین ذی‌نفعان قراردادی می‌گردد.

انفجار سکوی نفتی پایپر آلفا^۲ در دریای شمال در سال ۱۹۸۸ که به دلیل مشکلات فنی و قصور در رعایت الزامات ایمنی در حین کار اتفاق افتاد و منجر به انهدام کامل این سکوی نفتی و کشته شدن ۱۶۷ نفر و از بین رفتن حدود ده درصد تولید گاز و نفت دریای شمال گردید، یکی از این قبیل حوادث است. خسارت کلی این حادثه معادل ۳,۴ میلیارد دلار بوده است.^۳ این حادثه

1. Lowe, J., Bruce M. Kramer, et al, *Cases and Materials on Oil and Gas Law*, 5th Ed, Thomson West, 2010, pp 370-373.

2. Piper Alpha

3. NASA Safety Center, system failure case study, "The case for safety: the North Sea Piper Alpha Disaster", Volume 7, Issue 4, May 2013.

منجر به طرح دعاوی متعدد از جمله دعاوی مطالبه خسارت شرکت بهره‌بردار سکوی نفتی،^۱ شرکای وی و بیمه‌گران علیه ۲۴ شرکت پیمانکار فرعی بوده است.^۲ حادثه دیگر، نشت نفت در میدان نفتی فرید^۳ واقع در آب‌های برزیل بود که حین انجام عملیات حفاری در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد. مطابق برآوردهای اولیه، بیشترین تولید این میدان در سال ۲۰۱۱ برابر ۹۰۰۰۰ بشکه در روز پیش‌بینی شده بود. به دنبال این حادثه فنی و نشت نفت در دریا، شرکت شورون^۴ مجبور به توقف عملیات توسعه و حفاری تقریباً در سقف ۷۹۰۰۰ بشکه در روز گردید. در کمتر از یک ماه از وقوع این حادثه، دولت برزیل این شرکت را به پرداخت جریمه‌ای حدود ۲۸ میلیون دلار محکوم کرد. نهایتاً نیز بالغ بر ۲ سال اختلاف و دعاوی شرکت شورون و دولت برزیل در این خصوص با مصالحه و سازش طرفین نسبت به میزان خسارت، خاتمه یافت.^۵

حوادث فوق مقیاس بسیار کوچکی از بزرگ‌ترین فاجعه زیست‌محیطی ناشی از انفجار و غرق شدن سکوی حفاری دیپواتر هورایزن^۶ در خلیج مکزیک در سال ۲۰۱۰ میلادی بود. فاجعه‌ای که فقط ۴ ماه پس از وقوع آن تعداد ۷۷ دعاوی مرتبط با آن در دادگاه ایالتی شرق لوئیزیانا^۷ تجمیع شدند.^۸ نهایتاً نیز شرکت بی‌پی^۹ و سایر مقصرین حادثه مجموع دعاوی مطروحه، محکوم به پرداخت حدود ۶۵ میلیارد دلار به آسیب‌دیدگان شدند.^{۱۰}

۱.۲.۳. وسعت مکانی پروژه‌های نفتی

یکی دیگر از خصوصیات انحصاری طرح‌ها و پروژه‌های نفتی، اجرای آنها در پهنة وسیعی از سرزمین یک و یا حتی چند کشور است. بدیهی است پروژه‌های که در محیطی با وسعت چند صد

1. Caledonia North Sea Ltd

2. Reynolds, D, Clyde & Co., "Piper Alpha - The House of Lords' landmark decision", *Gard News*, 01 Aug 2002.

3. The Frade Field

4. Chevron

5. Inkpen, A, et al, *The Global Oil and Gas Industry – Management, Strategy and Finance*. (Tulsa, OK: PennWell Corporation, 2011) and Gulf Oil and Gas, "Oil Spill of Frade Field in Brazil -- Special Report.

6. Deepwater Horizon

7. U.S. District Court for the Eastern District of Louisiana

8. In Re: Oil Spill by the Oil Rig "Deepwater Horizon" in the Gulf of Mexico, on April 20, 2010.

9. BP

10. Bousso, Ron., "BP Deepwater Horizon Costs Balloon to \$65 Billion", *Reuters*, January 16, 2018.

یا چند هزار متر مربع اجرا می‌شود، در مقایسه با پالایشگاهی با وسعت چند صد هکتار و یا خط لوله‌ای با طول بیش از یک هزار کیلومتر، در مقابل ریسک‌هایی چون ریسک‌های طبیعی و زیست‌محیطی ضربه‌پذیرتر بوده و خسارات هنگفت زیست‌محیطی در اطراف محل پروژه و دعاوی متعدد ذی‌نفعان را به دنبال خواهد داشت.

به عنوان نمونه، فاجعه زیست‌محیطی در سواحل دلتای نیجریه به دلیل نشت بالغ بر ۲ میلیون بشکه نفت در این منطقه ناشی از اجرای قرارداد نفتی بین شرکت شیل^۱ و شرکت نفت نیجریه از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱، موضوع اعتراضات مردمی بسیاری در این منطقه و طرح دعاوی متعدد علیه شرکت شیل و دولت نیجریه گردید. یکی از این دعاوی در سال ۱۹۹۶ و از طرف مرکز سیرک^۲ به نمایندگی از مردم اوگانی^۳ علیه دولت نیجریه مطرح شده است^۴ که نهایتاً منجر به صدور رأی علیه دولت نیجریه گردید. در سایر دعاوی که بومیان منطقه علیه شرکت شیل مطرح نمودند، احکام متعددی مبنی بر جبران خسارات وارده علیه شرکت شیل صادر شده است. فقط در یکی از این دعاوی^۵، دادگاه سلطنتی انگلستان حکم به جبران خسارت اهالی بودو^۶ و برابر برابر ۸۳,۵ میلیون دلار داده است. هنوز اختلافاتی بین دولت نیجریه و شرکت شیل نسبت به نحوه پاکسازی منطقه از آلودگی‌های نفتی وجود دارد.^۷

از نمونه‌های اخیر، بزرگ‌ترین حادثه زیست‌محیطی ناشی از انفجار و غرق شدن سکوی حفاری دیپواتر هورایزن است که منجر به جاری شدن بالغ بر ۴ میلیون بشکه نفت در آب‌های خلیج مکزیک^۸ و آلودگی هزاران مایل از خطوط ساحلی آمریکا و بالغ بر ۴۰ هزار مایل مربع از

1. Shell

2. Social and Economic Rights Action Center for Economic and Social Rights (SERAC).

3. Ogoni

4. Communication No. 155/96

5. The Bodo Community and Others v. Shell Petroleum Development Company of Nigeria Ltd TCC 4-Jul-2014, ([2014] EWHC 2170 (TCC)).

6. Bodo

7. A journey through the Oil Spills of Ogoni Land, *Friends of the Earth International*, 17May 2019.

8. Triton Asset Leasing GmbH, et al. and United States of America v. BP Exploration & Production, Inc., et al., Case No. 2:10-md-02179-CJB-SS Document 14021 Filed 01/15/15, pp39 and 44.

سطح خلیج مکزیک گردید. این حادثه علاوه بر متأثر نمودن زندگی ساکنان منطقه و ماهیگیران، گونه‌های متعدد آبزیان و جانوران منطقه را در معرض انقراض قرار داده است.^۱

۱.۲.۴. جغرافیای سیاسی توزیع منابع نفتی

جغرافیای سیاسی تولید و عرضه جهانی نفت و گاز، در کنار وابستگی رفاه عمومی و توسعه کشورهای جهان به انرژی، به این صنعت چهره بین‌المللی داده^۲ و قراردادهای این حوزه را، بالاخص متأثر از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نموده است.

بر اساس آمارهای موجود، تا پایان سال ۲۰۱۹ حدود نیمی از ذخایر اثبات شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر اثبات شده گاز جهان در منطقه خاورمیانه قرار داشته و حدود ۳۲ درصد تولید نفت و ۱۸ درصد تولید گاز طبیعی در کشورهای خاورمیانه صورت گرفته است.^۳ عمده کشورهای خاورمیانه در چند دهه اخیر با حوادث مختلفی از قبیل جنگ، تحریم، انقلاب و ناآرامی‌های مدنی مواجه بوده و هستند. این اتفاقات، تأثیرات زیادی بر قیمت نفت،^۴ اجرای تعهدات قراردادی و بقای قراردادهای نفتی داشته است. تنش‌های سیاسی گذشته در این منطقه چهار شوک بزرگ نفتی به بازار جهانی وارد نموده است: درگیری‌های نظامی کانال سوئز در ۱۹۵۶، جنگ‌های اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس علیه عراق ۱۹۹۰-۹۱. اثرات ملی شدن صنعت نفت ایران در ۱۹۵۱ و انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹^۵ و تنش‌های ایجاد شده راجع به موضوع هسته‌ای ایران بر بازار جهانی نفت را نیز نباید فراموش کرد.

وقوع انقلاب، جنگ و سایر ریسک‌های سیاسی در کشور میزبان منجر به اختلافات متعددی بین ذی‌نفعان قراردادها اعم از قراردادهای نفتی و غیر از آن بوده است. دیوان داوری دعوی

1. Uhlmann, David M., "BP Paid a Steep Price for the Gulf Oil Spill but for the US a Decade Later, It's Business as Usual", *The Conversation*, April 23, 2020.

2. Sieck, D., "Confronting the Obsolescing Bargain: Transacting around Political Risk in Developing and Transitioning Economies through Renewable Energy Foreign Direct Investment.", *Suffolk Transnational Law Review*, vol. 33, no. 2, Summer 2010.

3. BP p.l.c., *Statistical Review of World Energy 2020*, 69th ed, London, 2020.

۴. تک روستا، علی و سایرین، *تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت نفت با تأکید بر ریسک سیاسی*

کشورهای عضو اوپک، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، پاییز ۹۷، شماره ۳۷، صص ۱۰۵-۱۳۹.

5. Yergin, D., *The Prize: The Epic Quest for Oil, Money and Power*, New York, Simon & Schuster, 1991.

ایران و آمریکا^۱ که پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و به منظور رسیدگی به دعاوی اتباع و دولت‌های ایران و آمریکا علیه یکدیگر تشکیل گردید، نمونه‌های متعددی از این اختلافات را که منشأ آنها انقلاب و تغییر نظام حاکمه در ایران بوده، مورد رسیدگی قرار داده است. برخی از دعاوی مزبور عبارت‌اند از:

“Mobil Oil Iran v. Iran”^۲، “Phillips Petroleum Co. v. Iran”^۳، “Exxon Research and Engineering v. NIOC”^۴، “Reliance Group v. Oil Service Co. Iran”^۵، “Houston Contracting v. NIOC”^۶

از دیگر اختلافاتی که بروز آنها متأثر از مؤلفه‌های سیاسی و بین‌المللی بوده است، می‌توان به دعاوی شرکت آمریکایی Parsons & Whittemore Overseas و شرکت مصری Societe Generale de L’Industrie du Papier به دنبال جنگ شش روزه بین اعراب و اسرائیل، و گروگانگیری پرسنل آمریکایی آن شرکت توسط اتباع مصری، تغییر شرایط صدور ویزا برای اتباع آمریکایی و در نتیجه فسخ قرارداد توسط شرکت آمریکایی مجری قرارداد^۷، دعاوی شرکت استرالیایی علیه اسرائیل در مرکز دآوری ICC ناشی از تأثیر جنگ مذکور بر تعهدات طرفین در قرارداد فروش نفت^۸ یا دعاوی Hungarian State enterprise v. Jugoslavenski naftovod به دلیل عدم امکان تحویل نفت به دلیل وقوع جنگ بین ایران و عراق، اشاره نمود.^۹

بحران‌های نفتی متعاقب تنش‌های سیاسی در کشورهای صادرکننده نفت، احتمال بروز اختلافات در قراردادهای نفتی در سایر کشورها را نیز افزایش می‌دهد. به عنوان نمونه، افزایش غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت ناشی از تنش‌های سیاسی در کشورهای عربی تولیدکننده نفت (بهار عربی) در اوایل قرن ۲۱ و اتخاذ سیاست‌های جدید نفتی توسط دولت اکوادور، بی‌ثباتی قراردادهای نفتی این کشور و طرح دعاوی متعدد از جانب شرکت‌های نفتی طرف قرارداد از جمله

1. Iran-US Claims Tribunal

2. IUSCT Case No. 74.

3. IUSCT Case No. 39.

4. IUSCT Case No. 155.

5. IUSCT Case No. 115.

6. IUSCT Case No. 173.

7. Konarski, H., "Force Majeure and Hardship Clauses in International Contractual Practice", *Int'l Bus. L. J. No 4 of 2003*, pp 405-428.

8. Melis, W., "Force Majeure and Hardship Clauses in International Commercial Contracts in View of the Practices of the ICC Court of Arbitration", *1 J.Int'l Arb.* 1984.

9. Firoozmand, M., Javad Zamani, "Force Majeure in International Contracts: Current Trends and How International Arbitration Practice Is Responding", *Arb. Int'l, Vol. 33* 2017.

شرکت‌های City Oriente Limited^۱، Perenco Ecuador Ltd^۲ و Burlington Resources Inc.^۳ علیه دولت اکوادور در مرکز داورى ايكسید^۴ را به دنبال داشت.

۲. وضعیت خاص ذی‌نفعان قراردادهای نفتی

روابط قراردادی متعدد و درهم تنیده در پروژه‌های نفتی، ناشی از ویژگی‌های مرتبط با موضوع این قراردادها و تعدد اشخاص مرتبط با آنها از دولت و شرکت‌های دولتی گرفته تا اشخاص خصوصی بین‌المللی و داخلی به عنوان ذی‌نفعان اصلی از یک سو و نقش بازیگران داخلی و خارجی متعدد از جمله جوامع محلی، مردم بومی و سایر مقامات رسمی و غیررسمی در قراردادهای نفتی به عنوان گروه دیگری از ذی‌نفعان و تأثیر ایشان بر سرنوشت این قراردادها از سوی دیگر، از ویژگی‌های انحصاری قراردادهای نفتی و زمینه‌ساز بروز ریسک‌های متفاوت و دعاوی حقوقی با اطراف متعدد در این دسته از قراردادهاست.

به‌طور کلی اشخاص مؤثر بر قراردادهای نفتی را می‌توان ذیل دو عنوان ذی‌نفعان مستقیم، یعنی طرف‌های قرارداد، و ذی‌نفعان غیر مستقیم بررسی نمود.

۲.۱. ذی‌نفعان مستقیم: طرف‌های قرارداد

۲.۱.۱. حضور دولت‌ها در قراردادهای نفتی

گفته شد که حضور دولت‌ها در قراردادهای نفتی یکی از خصایص این قراردادها به شمار می‌رود. بعد از تحولات دهه ۱۹۵۰ و جریان گسترده ملی شدن منابع طبیعی و شناسایی حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی در قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد،^۵ الگوی مالکیت و توسعه منابع طبیعی از جمله نفت و گاز در دنیا تغییر کرد؛ به نحوی که امروزه در غالب کشورهای دنیا منابع طبیعی متعلق به مردم و تحت مالکیت عمومی است و می‌توان گفت تنها

1. ICSID Case No. ARB/06/21.

2. ICSID Case No. ARB/08/6.

3. ICSID Case No. ARB/08/5.

4. International Center for Settlement of Investment Dispute (ICSID).

5. General Assembly Resolution 1803 (XVII) of 14 December 1962, "Permanent Sovereignty Over Natural Resources (PSNR)".

قوانین دو کشور آمریکا و کانادا، آن هم به صورت جزئی، مالکیت خصوصی بر منابع طبیعی را شناسایی نموده‌اند.^۱

مالکیت عمومی بر منابع نفتی،^۲ نقش متفاوت و منحصر به فرد دولت در قراردادهای نفتی را به دنبال داشته است. در این قراردادها از یک طرف دولت به عنوان مالک منابع، طرف مستقیم قرارداد و عهده‌دار اعمال تصدی‌گری است و از طرف دیگر در جایگاه قانون‌گذار به ایفای نقش حاکمیتی خود می‌پردازد. به بیان دیگر، همان‌طور که سورناراجا گفته است: «در این قراردادها، دولت از یک طرف بمانند یک تاجر مکلف است به توافقات تجاری بین طرفین احترام بگذارد و از طرف دیگر، به عنوان یک نهاد عمومی، ناچار است در مورد موضوعاتی که بر منافع حیاتی ملی آن تأثیر می‌گذارد، تعهدات و تکالیف تجاری خود را نادیده گرفته و بر اساس منافع عمومی، عمل نماید»^۳ یا همان‌گونه که ملکه الیزابت اول بیان می‌کند: «در تقابل منافع تجاری دولت‌ها با منافع عمومی جامعه، در صورتی که پایبندی حاکمان به تعهدات تجاریشان مستلزم ضربه به منافع حیاتی جامعه گردد، حاکمان کشورها تعهدی برای پایبندی به قول و قرارهای تجاری خود ندارند».^۴

این نقش دوگانه دولت‌ها (ایفای هم‌زمان وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری) آثار متعددی بر روند اجرای قراردادهای نفتی داشته است و گاه دولت‌ها را به سمت اتخاذ تصمیماتی سوق می‌دهد که نتیجه آنها ضربه به ثبات قراردادها بوده است و موجب بروز ریسک‌های خاص قراردادهای دولتی می‌گردد؛ امری که با تغییر الگوی سوددهی پروژه، می‌تواند سبب بروز اختلاف بین طرفین گردد. دعاوی متعددی که به طور خاص به دنبال وقوع ریسک‌های سیاسی و قانونی در کشور میزبان بروز نموده، عموماً ناشی از نقش دوگانه دولت‌ها و وضعیت خاص طرفین در این قراردادها بوده است.

1. Anderson, O., *et al*, *op cit*, p 30.

۲. در خصوص مفهوم مالکیت عمومی بر منابع نفتی و نظریه‌های حاکم در نظام‌های حقوقی مختلف رک: بهمنی، محمدعلی و محمد آرین، مالکیت عمومی بر منابع نفتی و تأثیر آن بر انتخاب الگوی قراردادی در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱.

3. Sornarajah, M., *International Commercial Arbitration: The Problem of State Contracts*, Singapore, Longman Singapore Publishers: 1990, p82.

4. McNair, *The Law of Treaties*, Oxford, Clarendon Press: 1961, p 681.

به‌عنوان نمونه، دولت ونزوئلا در دهه ۱۹۹۰ امتیازات جدیدی با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی به منظور توسعه میدان نفتی اورینوکو^۱ وضع نمود که منجر به سرمایه‌گذاری بالغ بر ۱۶ میلیارد دلاری تعدادی از شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی در این منطقه گردید. اما رویکرد متفاوت دولت بعدی نسبت به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت، منجر به تصویب قانون جدید نفتی این کشور مبنی بر افزایش حق الامتیاز، مالیات بر درآمد و سهم دولت در مدیریت پروژه و لزوم مشارکت سرمایه‌گذار خارجی با شرکت‌های داخلی در پروژه‌های نفتی، در آغاز قرن بیست‌ویکم گردید. هرچند اقدامات دولت ونزوئلا در راستای وظایف حاکمیتی وی صورت گرفت و در دستیابی دولت به اهداف اجتماعی خود نظیر اشتغالزایی بومی و ارائه نرخ‌های دولتی ارزان برای سوخت و توسعه اجتماعی بیشتر، مؤثر بود، منجر به بی‌ثباتی حداقل ۳۲ قرارداد نفتی در حال اجرا در این کشور گردید و شرکت‌هایی نظیر توتال،^۲ انی^۳ و اگزون^۴ را مجبور به ترک قراردادهای خود نمود. دعوای شرکت اگزون علیه ونزوئلا در سال ۲۰۰۷ در مرکز دآوری ایکسید یکی از دعاوی متعددی است که در این خصوص مطرح گردیده است.^۵

۲.۱.۲. شرکت‌های نفتی بین‌المللی

کمبود منابع مالی و تکنولوژی مناسب در اغلب کشورهای تولیدکننده نفت، دولت‌های مزبور را ناگزیر به اتکا به منابع مالی و تکنولوژی خارجی در پروژه‌های سرمایه‌بر نفتی نموده است. به همین دلیل از دیرباز، بازیگرانی مانند شرکت‌های موسوم به هفت خواهران نفتی^۶ و آنچه امروزه به نام شرکت‌های نفتی بین‌المللی^۷ شناخته می‌شوند، بازیگران اصلی قراردادهای نفتی محسوب می‌گردند. نابرابری و عدم توازن قوا بین این شرکت‌ها و طرف دولتی قراردادهای نفتی، آسیب‌پذیری این قراردادها را در برابر وقوع انواع ریسک‌های سیاسی افزایش داده است.

1. Orinoco
2. Total
3. Eni
4. Exxon
5. Witten, E., "Arbitration of Venezuelan Oil Contracts: A Losing Strategy?", *4 Tex. J. Oil Gas & Energy L.*, 2008.
6. Anglo-Iranian Oil Company, Gulf Oil, Royal Dutch Shell, Standard Oil Company of California, Standard Oil Company of New Jersey, Standard Oil Company of New York, Texaco.
7. International Oil Company (IOC).

بخش عمده‌ای از قراردادهای امتیازی دهه‌های ابتدایی قرن بیستم با شرکت‌های نفتی بین‌المللی تحت سلطه دولت‌های متبوع این شرکت‌ها و بدون دخالت مؤثر مردم و حکمرانان کشورهای صاحب منابع امضا شده بود. به همین دلیل، با شروع حرکت‌های استقلال‌طلبانه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در این کشورها، ملی‌سازی و لغو یکجانبه قراردادهای نفتی آغاز و بسیاری از شرکت‌های مزبور سرمایه‌گذاری‌های خود در این کشورها را از دست دادند. پاسخ شرکت‌های نفتی به این اقدام دولت‌ها، طرح دعاوی متعدد با موضوع مطالبه خسارت، ناشی از اقداماتی نظیر ملی‌کردن و مصادره بود که نتیجه آنها عموماً فسخ قرارداد یا در بهترین حالت مذاکره مجدد قراردادهای مزبور بوده است. از جمله دعاوی مزبور عبارت‌اند از:

“Sapphire International Petroleum v. NIOC”^۱، “Petroleum Development Ltd. v. The Sheikh of Abu Dhabi”^۲، “Saudi Arabia v. ARAMCO”^۳، “Ruler of Qatar v. International Marine Oil Company Ltd”^۴، “Texaco v. Libya”^۵.

ناتوانی سرمایه‌گذاران در دریافت خسارت از دولت‌های میزبان و تعارض و تفاوت در آرای مراجع حل اختلاف، ضرورت حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی توسط دولت‌های متبوعشان را آشکار ساخت. شناسایی مسئولیت دولت‌ها نسبت به جبران خسارت سرمایه‌گذار به میزان مناسب،^۶ در صورت اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی، در قطعنامه^۷ ۱۸۰۳ سازمان ملل، نتیجه تلاش‌های دولت‌های متبوع سرمایه‌گذاران در این خصوص بوده است؛ هر چند ابهام در تعیین میزان خسارت همچنان محل اختلافات متعدد بین طرفین قراردادهای نفتی است.^۸

مبنای دعاوی “BP Exploration v. Libya”^۹ و “LIAMCO v. Libya”^{۱۰} هر دو تعیین میزان خسارت شرکت‌های طرف قرارداد به دنبال ملی شدن صنعت نفت لیبی بوده است. دعوی Kuwait v. AMINOIL^{۱۱} پس از ملی شدن قراردادهای امتیازی نفتی کویت نیز بر همین مبنا مطرح گردیده است. دعوی Hunt v. Coastal States Gas Prod. Co^{۱۱} با موضوع مطالبه

1. 35 ILR 136 (1963).
 2. 18 ILR 144 (1951).
 3. 27 ILR 117 (1958).
 4. 20 ILR 534 (1953).
 5. 53 I.L.M. 389 (1979).
 6. Appropriate Compensation.
 7. Anderson, O, *et al.*, *op cit.*, p 299.
 8. 53 ILR 297 (1973).
 9. 20. ILM 1 (1981).
 10. 21 ILM 976 (1982).
 11. 583 S.W. 322 (Tex, 1979).

خسارت ناشی از مصادره امتیاز نفتی برادران هانت توسط دولت لیبی نیز نمونه دیگری از اختلافات ناشی از اقدامات حاکمیتی دولت میزبان بوده است.

ریسک‌های سیاسی ناشی از نابرابری طرفین قرارداد و بسط ید دولت‌ها در دخل و تصرف در سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های نفتی، مختص ادوار گذشته نیست و همچنان شاهد انواع ملایم‌تری از مصادره، تحت عنوان مصادره غیر مستقیم یا خزنده^۱ در کشورهای صاحب منابع نفتی هستیم.

به عنوان مثال، به دنبال افزایش قیمت نفت در ابتدای قرن بیست‌ویکم از بشکه‌ای ۳۰ دلار در سال ۲۰۰۰ به بشکه‌ای ۱۴۰ دلار در سال ۲۰۰۸، برخی کشورهای تولیدکننده نفت با وضع قوانین جدید به اقدامات شبه مصادره‌ای^۲ دست زدند. بولیوی، روسیه، ونزوئلا و برخی کشورهای دیگر میزان سرمایه تحت کنترل سرمایه‌گذار خارجی را تغییر دادند یا با افزایش مالیات و یا حق‌الامتیاز دریافتی، سعی در کاهش منافع شرکت سرمایه‌گذار خارجی ناشی از افزایش قیمت ناگهانی نفت داشتند.^۳

دعوی "Yukos Universal v. Russia"^۴؛ "Hulley Enterprises Ltd v. Russia"^۵ و "Veteran Petroleum Trust v. Russian"^۶ که جملگی پس از مصادره خزنده سرمایه شرکت یوکاس^۷ در سال ۲۰۰۴ توسط روسیه^۸ در مرکز داوری اتاق بازرگانی استکهلم^۹ مطرح و دعوی "Petrobart v. The Kyrgyz Republic"^{۱۰} در همان مرکز داوری، دعوی "Ioannis Kardassopoulos v. Georgia"^{۱۱} به دنبال لغو قرارداد امتیاز توسعه خط لوله انتقال نفت از آذربایجان به دریای سیاه و دعوی "Liman Caspian Oil BV et, el. v."

1. Indirect/ Creeping expropriation.
2. Measures Tantamount to Expropriation
3. Anderson, O. *et al. op cit.*, p 285.
4. PCA Case No. 2005-04/AA227
5. PCA Case No. 2005-03/AA226
6. PCA Case No. AA 228
7. Yukos

۸. برای اطلاعات بیشتر رک: بهمنی، محمدعلی، محمد برهانی، **صلاحیت دیوان داوری در دعوی نفتی یوکاس علیه روسیه**، حقوق خصوصی، دوره ۱۵، ۱۳۹۷، شماره ۲.

9. Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce.
10. SCC Case No. 126/2003.
11. ICSID Case No. ARB/05/18.

"Mamidoil Jetoil Greek Petroleum Products S.A. v. Republic of Kazakhstan"^۱، "Cairn Energy PLC & of Albania"^۲ جملگی مطرحه در مرکز داوری ایکسید و نیز دعوای Cairn UK Holdings Limited v. The Republic of India^۳ که در سال ۲۰۱۶ به دنبال صادرة خزنده سرمایه شرکت کابرن انرژی^۴ به موجب تغییر مقررات مالیاتی توسط دولت که منجر به محکومیت دولت هند به پرداخت خسارت بالغ بر یک میلیارد دلار در دسامبر ۲۰۲۰ شد، در دیوان دائمی داوری مطرح گردید، نمونه‌هایی هستند که به دنبال وقوع یکی از ریسک‌های سیاسی و متأثر از اقدامات حاکمیتی دولت میزبان و از بین رفتن منافع آتی شرکت‌های بین‌المللی طرف قرارداد، در دهه‌های اخیر و در پرتو حمایت‌های ناشی از معاهدات سرمایه‌گذاری علیه طرف‌های دولتی قرارداد مطرح گردیده‌اند.

۲.۲. ذی‌نفعان غیرمستقیم: سایر اشخاص

خصیصه جهانی بودن صنعت نفت در کنار رابطه تنگاتنگ رفاه و توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها با انرژی، قراردادهای نفتی را متأثر از بازیگران متعدد داخلی و خارجی نموده است؛ هرچند این بازیگران مستقیماً یکی از طرف‌های قرارداد نباشند. به همین دلیل، برخلاف سایر قراردادهای تجاری که صرفاً متأثر از عملکرد طرفین قرارداد یا مطابق اصل نسبی بودن قراردادها^۵ مؤثر بر روابط طرفین قرارداد هستند،^۶ در قراردادهای نفتی، اشخاص دیگری به عنوان بازیگران مؤثر یا ذی‌نفعان خاموش وجود دارند که هرچند از منظر روابط حقوقی، طرف قرارداد محسوب نمی‌گردند، می‌توانند در مقاطعی بر سرنوشت قرارداد تأثیر جدی برجای گذارند. مردمان بومی،^۷ جوامع محلی،^۸ سران عشایر، نمایندگان مجلس و سایر مقاماتی را که در هرم قدرت سیاسی یک کشور دارای قدرت رسمی و یا غیر رسمی هستند، می‌توان در این دسته جای داد.

1. ICSID Case No. ARB/07/14

2. ICSID Case No. ARB/11/24

3. PCA Case No. 2016-07

4. Cairn Energy PLC

5. Privity of the contract

۶. برای مطالعه بیشتر رک: کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۳، تهران: انتشار، ۱۳۸۹، صص ۲۴۰-۲۴۵.

7. Indigenous People

8. Local Societies

نقش سران قبایل و عشایر در تاریخ صنعت جهانی نفت غیر قابل انکار است. به عنوان نمونه در سال‌های اولیه شکل‌گیری صنعت نفت ایران، نقش شیخ خزعل، یکی از سران قدرتمند عشایر عرب خوزستان، در تأمین امنیت مناطق عملیاتی نفتی و تحصیل اراضی از جوامع محلی بسیار پررنگ بوده است.^۱ تأثیرپذیری قراردادهای نفتی از نفوذ سران قبایل و اقدامات جوامع محلی و بومی مختص ایران یا دوره تاریخی خاصی نیست و تا جایی پیش رفته است که منجر به شناسایی حق قانونی برای قبایل و بومیان منطقه نسبت به مشارکت در مذاکره و انعقاد قراردادهای نفتی در قوانین داخلی برخی کشورها نظیر آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزلند^۲ و برخی معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون ۱۶۹ سازمان جهانی کار ناظر بر حقوق قبایل^۳ گردیده است.^۴ نادیده گرفتن حقوق این ذی‌نفعان توسط شرکت‌های نفتی بین‌المللی یا دولت‌های حاکمه، همواره موجبات طرح دعاوی متعدد علیه ذی‌نفعان مستقیم قراردادها را فراهم آورده است.

به عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۵ قراردادی برای توسعه و استخراج نفت در قلمرو مالکیت قبیله اووا^۵ بین دولت کلمبیا و شرکت اوکسیدنتال^۶ منعقد گردید. نادیده گرفتن حقوق قبیله اووا در مذاکرات قراردادی منجر به طرح دعاوی سران این قبیله علیه دولت کلمبیا و اوکسیدنتال بر مبنای کنوانسیون ۱۶۹ در دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی گردید. آرای صادره در این دعاوی، نقض حق قبیله اووا ناظر بر مشارکت در مراحل مذاکره و انعقاد قرارداد را تأیید نمود. نهایتاً نیز اثر عملی این نارضایتی و طرح دعاوی، ترک قرارداد توسط شرکت اوکسیدنتال بود.^۷

دعاوی *Beanal v. Freeport-McMoran* به نمایندگی از قبیله آمونگمه^۸ در اندونزی، *Wiwa v. Royall Dutch Petroleum Co. and Shell Transport Ltd* به دنبال عملیات نفتی شرکت‌های طرف دعوا در منطقه اوگانی نیجریه و مشارکت آنها در بازداشت، شکنجه و اعدام معترضین بومی منطقه، *John Doe I, et al. v. Unocal* در پروژه احداث خط لوله گاز در

۱. فاتح، مصطفی، *پنج‌جاه سال نفت ایران*، تهران: انتشارات شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۵، صص ۲۵۵-۲۶۲.

۲. Fogarassy, T., Litton, K., "Consultation with Aboriginal Peoples: Impacts on the Petroleum Industry.", *42(1) Alta. L. Rev.* 41, 2004.

۳. Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989 (No. 169).

۴. Firoozmand, M., Warden-Fernandez, J., Introduction, *23(4) J. Energy & Nat. Resources L.* 385, 2005.

۵. U'wa

۶. Occidental

۷. Miranda, L., "The U'Wa and Occidental Petroleum: Searching for Corporate Accountability in Violations of Indigenous Land Rights", *31 AM. INDIAN L. REV.* 651, 2007.

۸. Amungme

زمین‌های تحت مالکیت مردم برمه،^۱ دعاوی مردم بومی اکوادور^۲ علیه شرکت تگزاکو به دنبال عملیات نفتی آن شرکت در سرزمین‌های بومی اکوادور در دادگاه‌های فدرال آمریکا و دعوی Yanomami v. The Government of Brazil در دادگاه کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر^۳،^۴ نمونه‌هایی هستند که قبایل و مردمان بومی به دلیل نقض حقوق مالکانه یا حقوق بشر توسط شرکت‌های نفتی در مناطق تحت نفوذشان علیه دولت حاکمه یا شرکت نفتی مجری عملیات نفتی، طرح و تقاضای جبران خسارت و اعاده وضعیت منطقه به حال قبل بوده‌اند.

اعتراضات گسترده بومیان منطقه دلتای نیجریه به قرارداد شرکت نفتی شورون در اوایل قرن بیست و یکم، از اشغال تأسیسات نفتی گرفته تا گروگانگیری و خرابکاری در خطوط لوله نفتی برای وادار کردن شرکت مزبور به اشتغال مردم بومی و ارتقای سطح رفاهی منطقه از حیث تأمین آب و برق، مدرسه و خانه‌های جدید، نمونه‌ای دیگری از تأثیر ذی‌نفعان غیر مستقیم بر قراردادهای نفتی است. برخی از اقدامات و درگیری‌های مردمی، به کاهش تولید روزانه آن شرکت معادل صد هزار بشکه نفت منجر گردید.^۵ در سال ۲۰۱۰ شرکت شورون اعلام کرد که بنیاد مشارکت دلتای نیجریه^۶ را با هدف افزایش درآمد، اشتغال بومیان و رشد اقتصادی عادلانه در نیجریه از طریق مشارکت بخش خصوصی و عمومی، تأسیس نموده است.^۷

تأمین منافع قبایل و جوامع بومی توسط شرکت‌های بین‌المللی در راستای کاهش ریسک‌ها و بحران‌های اجتماعی در محدوده پروژه‌ها و پیشگیری از اختلافات احتمالی با بومیان منطقه، جوامع محلی یا نهادهای مردم نهاد^۸ حامی آنها، موجب پیدایش مفاهیمی تحت عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها^۹ گردیده است.^{۱۰} همچنین به مرور در قالب قوانین داخلی و شروط قراردادی، شرکت‌های مجری قرارداد ملزم به استخدام بومیان، کمک به توسعه زیرساخت‌های آموزشی و

1. Burme

2. Sequihua

3. Inter-American Commission on Human Rights (IACHR).

4. Hennessy, M., "Transnational Companies, Indigenous Peoples and International Law: An Equadorian Case Study", 2 *Galway Student L. Rev.* 84, 2003.

5. Wokoro, J., "Beyond Petroleum Production to Community Development: International Oil Companies as Proxy Governments", 5(2) *Tex. J. Oil Gas & Energy L.* 323 (2009) APA 7th ed.

6. Niger Delta Partnership Initiative Foundation (NDPI).

7. **Chevron Corporation, "Promoting Peace in the Niger Delta", June 2014, available at: <https://www.chevron.com/stories/peace-in-niger>.**

8. Non-Governmental Organizations

9. Corporate Social Responsibility (CSR).

10. Wokoro, J., *op cit.*, 2009.

بهداشتی مناطق بومی، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و اعاده وضعیت منطقه عملیاتی پروژه به حال سابق پس از اتمام عملیات توسعه و بهره‌برداری گردیده‌اند. البته درج این شروط قراردادی تضمین مناسبی برای تأمین منافع جوامع بومی توسط شرکت‌های نفتی اعم از داخلی و بین‌المللی نبوده و همچنان موارد متعددی از دعاوی با این گروه از ذی‌نفعان مشاهده می‌گردد.

از نمونه‌های اخیر تأثیر اعتراضات مردمی با خاستگاه سیاسی بر قراردادهای نفتی می‌توان به قرارداد صادرات گاز از میدان فراساحلی لویاتان^۱ واقع در دریای مدیترانه، منعقد شده بین شرکت ملی برق اردن^۲ و کنسرسیومی متشکل از شرکت آمریکائی نوبل انرژی^۳ و یک شرکت اسرائیلی در سال ۲۰۱۶ به ارزش ۱۰ میلیارد دلار، اشاره نمود. حساسیت‌های ناشی از وابستگی کشور اردن به گاز اسرائیل، منجر به اعتراضات گسترده مردمی در این کشور نسبت به قرارداد مزبور گردید. هرچند با رأی دادگاه قانون اساسی اردن روند اجرایی قرارداد آغاز شد.^۴ نهایتاً پس از آنکه در اول ژانویه سال ۲۰۲۰ خط لوله مذکور شروع به کار نمود، با بالا گرفتن اعتراضات مردمی و نیز ابتکار عمل گروه‌های مخالف دولت، در اواسط ژانویه، نمایندگان مجلس طرح قانونی مبنی بر ممنوعیت واردات گاز از اسرائیل را به تصویب رساندند.^۵

1. Leviathan Gas Field

2. National Electricity Company (NEPCO).

3. Noble Energy

4. Sharp, J.M., "Jordan: Background and U.S. Relations. Congressional research service", *RL* 33546, December 4, 2019.

5. Joffre, T., "Jordan's Constitutional Court Rules Gas Deal with Israel Can't Be Ended", *Jerusalem Post, Middle East*, May 13, 2020.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، با بررسی نمونه‌هایی از دعاوی عمده مطروحه در صنعت نفت و گاز، مشاهده گردید که چگونه ماهیت خاص قراردادهای نفتی به عنوان موافقت‌نامه‌های توسعه اقتصادی و خصایص انحصاری موضوع این قراردادها از جمله عدم قطعیت‌های زمین‌شناختی، ویژگی‌های فنی عملیات نفتی، وسعت مکانی پروژه‌های نفتی و جغرافیای سیاسی توزیع منابع نفتی، از یک سو و نیز نقش دوگانه دولت‌ها و حضور شرکت‌های نفتی بین‌المللی در این قراردادها به عنوان ذی‌نفعان مستقیم و تأثیر جوامع محلی و مردمان بومی و سایر ذی‌نفعان غیرمستقیم از سوی دیگر، قراردادهای مزبور را در معرض ریسک‌های عمومی و انحصاری و نتیجتاً بروز اختلافات و دعاوی متعدد قرار می‌دهد.

بنابراین می‌توان رابطه مستقیمی بین ویژگی‌های عمومی و انحصاری قراردادهای نفتی، وقوع ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها در طول اجرای پروژه و به تبع آن بروز اختلافات بین طرفین قرارداد یا ذی‌نفعان مستقیم و سایر بازیگران این صنعت، برقرار نمود.

بر این اساس و با تمرکز بر ارکان تشکیل‌دهنده یک رابطه قراردادی، ریسک‌های موجد دعاوی و به تبع آن انواع اختلافات در قراردادهای نفتی را می‌توان ناشی از علل مرتبط با ماهیت و موضوع خاص یک رابطه قراردادی؛ یا علل مربوط به ذی‌نفعان خاص و متعدد این قراردادها دانست. بنابراین اختلافات قراردادی یا ناشی از ریسک‌های مرتبط با ماهیت و موضوع قرارداد (علل موضوعی) یا ناشی از ریسک‌های مرتبط با طرفین قرارداد (علل شخصی) هستند.

مذاکره‌کنندگان قراردادهای نفتی در انتخاب و به‌کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های مؤثر برای کاهش زمینه‌های بروز اختلافات و آثار زیان‌بار آن بر روابط طرفین و سوددهی پروژه، می‌توانند از دسته‌بندی فوق استفاده نمایند. بدین ترتیب که با انتخاب مدل قراردادی مناسب و استفاده از ظرفیت‌های قراردادی موجود برای تخصیص متوازن ریسک‌ها و حفظ تعادل منافع طرفین در طول مدت اجرای پروژه، می‌توان برخی عوامل موضوعی و شخصی بروز اختلافات را حذف یا کنترل نمود و یا در مواردی که هر یک از عوامل مزبور قابل اجتناب نباشد، با استفاده از ابزارهای خارج از قرارداد، مانند انتقال ریسک از طریق ترتیبات بیمه‌ای و یا ظرفیت‌های قانونی و معاهدات سرمایه‌گذاری، آثار ناشی از بروز ریسک‌ها و اختلافات را کنترل و مدیریت نمود. تبیین هر یک از این سازوکارها می‌تواند موضوع پژوهش‌های جداگانه‌ای برای علاقه‌مندان باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، تهران: تیس، ۱۳۹۷.
۲. فاتح، مصطفی، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران: شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۵.
۳. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۳، تهران: انتشار، ۱۳۸۹.
۴. متین، پدram، *نفت بی‌خطر: روش‌های حقوقی مدیریت ریسک قراردادهای نفتی*، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲.

مقاله

۵. بهمنی، محمدعلی و محمد آرین، *مالکیت عمومی بر منابع نفتی و تأثیر آن بر انتخاب الگوی قراردادی در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز*، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، ۱۳۹۷، شماره ۱.
۶. بهمنی، محمدعلی و محسن برهانی، *صلاحیت دیوان داوری در دعوای نفتی یوکاس علیه روسیه*، حقوق خصوصی، دوره ۱۵، ۱۳۹۷، شماره ۲.
۷. تک روستا، علی، عباس شاکری و سایرین، *تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت نفت با تأکید بر ریسک سیاسی کشورهای عضو اوپک*، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، پاییز ۹۷، شماره ۳۷.

رساله

۸. شافع، میرشهبیز، «لکس پترولیا»، رساله دکترا، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
۹. تصویب‌نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

10. Anderson, O, John S. Lowe, *et al*, *International Petroleum Transactions*, 3rd Ed, USA, RMMLF, 2010.
11. BP p.l.c., *Statistical Review of World Energy 2020*, 69th ed, London, 2020.
12. Dolzer, R, *Petroleum Contracts and International Law*, Oxford University Press, 2018.
13. Lowe, J, Bruce M. Kramer, *et al*, *Cases and Materials on Oil and Gas Law*, 5th Ed, Thomson West, 2010.
14. McNair, *The Law of Treaties*, Oxford, Clarendon Press, 1961.
15. Palmer, B, *Getting the Deal Through: Oil Regulation 2017*, London, Law Business Research Ltd, 2017.
16. Rubins, N, N.S Kinsella, *International Investment, Political Risks and Dispute Resolution*, Oceana Publication, 2005.
17. Sornarajah, M., *International Commercial Arbitration: The Problem of State Contracts*, Singapore, Longman Singapore Publishers: 1990.
18. Sornarajah, M, *The International Law on Foreign Investment*, 2nd Ed, New York, Cambridge University Press, 2004.
19. Yergin, D., *The Prize: The Epic Quest for Oil, Money and Power*, New York, Simon & Schuster, 1991.

Articles

20. Bowman, J.P., "Risk Mitigation in International Petroleum Contracts", *50 GEO. J.INT'L L.* 745, 2019.
21. Dzienkowski, J. and Ernest E. Smith, "A Fifty-Year Perspective on World Petroleum Agreements", *University of Texas at Austin School of Law Publications*, 1989.
22. Eden, L, *et al*. "From the Obsolescing Bargain to the Political Bargaining Model", *Eden-Lenway-Schuler-AIB-2004*.
23. Fabrikant, R, "Production Sharing Contracts in the Indonesian Petroleum Industry", *16 HARV. INT'L L.J.* 303, 1975.
24. Firoozmand, M, Warden-Fernandez, J, Introduction, *23(4) J. Energy & Nat. Resources L.* 385, 2005.
25. Firoozmand, MR and Javad Zamani, "Force Majeure in International Contracts: Current Trends and How International Arbitration Practice Is Responding", *Arbitration International*, 2017.

26. Fogarassy, T and KayLynn, Litton, "Consultation with Aboriginal Peoples: Impacts on the Petroleum Industry", *42(1) Alta. L. Rev.* 41, 2004.
27. Hennessy, M., "Transnational Companies, Indigenous Peoples and International Law: An Equadorian Case Study", *2 Galway Student L. Rev.* 84, 2003.
28. Hyde, J.N., "Permanent Sovereignty over Natural Wealth and Resources", *50 A.J.I.L.* 854, 1956.
29. *JSTOR*, "Arbitral Tribunal: Award in Dispute between Libyan American Oil Company (LIAMCO) and the Government of the Libyan Arab Republic Relating to Petroleum Concessions", *International Legal Materials*, vol. 20, no. 1, 1981.
30. Konarski, H., "Force Majeure and Hardship Clauses in International Contractual Practice", *No 4 of 2003 Int'l Bus. L. J.*, 2003.
31. McNair, "the General Principles of Law Recognized by Civilized Nations", *33 BRIT. Y.B. INT'L L.* 1, 1957.
32. Miranda, L., "The U'Wa and Occidental Petroleum: Searching for Corporate Accountability in Violations of Indigenous Land Rights", *31 AM. INDIAN L. REV.* 651, 2007.
33. Moran, T., "Political and Regulatory Risk in Infrastructure Investment in Developing Countries: Introduction and Overview", Paper presented at "Private Infrastructure for Development: Confronting Political and Regulatory Risks, Sept. 8-10, 1999.
34. Sieck, D., "Confronting the Obsolescing Bargain: Transacting around Political Risk in Developing and Transitioning Economies through Renewable Energy Foreign Direct Investment." *Suffolk Transnational Law Review*, vol. 33, no. 2, Summer 2010.
35. Sharp, J., "Jordan: Background and U.S. Relations. Congressional research service", *RL 33546*, December 4, 2019.
36. Smith, E., "From Concession to Service Contracts", *Tulsa Law Review*, Volume 27, 1992.
37. Witten, E., "Arbitration of Venezuelan Oil Contracts: A Losing Strategy?", *4 Tex. J. Oil Gas & Energy L.*, 2008.
38. Weiss, S., "International Business Negotiation in Globalizing World: Reflections on the contributions and Future of a (Sub) Field", *11 Int'l Negotiation* 287, 2006.

39. Wokoro, J., "Beyond Petroleum Production to Community Development: International Oil Companies as Proxy Governments, 5(2) *Tex. J. Oil Gas & Energy L.* 323, 2009.

Websites

40. Chevron Corporation, Promoting Peace in Niger Delta, June 2014 available at: <https://www.chevron.com/stories/peace-in-niger>.
41. David Reynolds, Clyde & Co., London and Lesley Gray, Paull & Williamsons, Edinburgh, Piper Alpha - The House of Lords' landmark decision, GardNews, 01 Aug 2002, available at: <http://www.gard.no/web/updates/content/53315/piper-alpha-the-house-of-lords-landmark-decision>.
42. Deepwater Horizon –BP Gulf of Mexico Oil Spill, United States Environmental Protection Agency, last updated on December 4, 2020, available at: <https://www.epa.gov/enforcement/deepwater-horizon-bp-gulf-mexico-oil-spill>.
43. Friends of the Earth International, A journey through the oil spills of Ogoniland, 17 May, 2019, available at: <https://www.foei.org/news/oil-spills-ogoniland-nigeria-shell>.
44. Joffre, TZVI, "Jordan's Constitutional Court Rules Gas Deal with Israel can't be ended, Jerusalem Post, Middle East, May 13, 2020, available at: <https://english.alaraby.co.uk/english/news/2020/5/13/jordanian-court-rules-against-cancelling-gas-deal-with-israel>.
45. Meiners, John, Ten Years Later, BP Oil Spill Continues to Harm Wildlife, National Geographic, April 17, 2020, available at: <https://www.nationalgeographic.com/animals/article/how-is-wildlife-doing-now--ten-years-after-the-deepwater-horizon>.
46. NASA Safety Center, "system failure case study, The case for safety: the north sea piper alpha disaster, volume 7, issue 4, May 2013, Available at: https://sma.nasa.gov/docs/default-source/safety-essages/safetymessage-2013-05-06-piperalpha.pdf?sfvrsn=3daf1ef8_6.
47. The Wall Street Journal, Oil Barrel Break down, WSJ News, 2016, available at: <http://graphics.wsj.com/oil-barrel-breakdown/>. 31/may 2020.

Cases

48. Aquinda v. Texaco, Inc., 945 F. Supp. 625 (S.D.N.Y. 1996).
49. Aquinda v. Texaco Inc., 303 F.3d 470 (S.C. 2002).
50. Beanal v. Freeport-McMoran, Inc, 969 F. Supp. 362 (1997).

51. BP Exploration v. Libyan Arab Republic, 53 ILR 297 (1973).
52. Clifton v. Koontz, 325 S.W.2d 684 (Tex. 1959).
53. Cairn Energy PLC & Cairn UK Holdings Limited v. The Republic of India, PCA Case No. 2016-07.
54. Exxon Research and Engineering Company v. NIOC, et al, IUSCT Case No. 155.
55. Houston Contracting Co. v. NIOC, et al, IUSCT Case No. 173.
56. Hulley Enterprises Ltd v. The Russian Federation, PCA Case No. 2005-03/AA226.
57. Hunt v. Coastal States Gas Prod. Co, 583 S.W. 322 (Tex, 1979) .
58. Ioannis Kardassopoulos v. The Republic of Georgia, ICSID Case No. ARB/05/18.
59. John Doe I, et al. v. Unocal, 963 F. Supp. 880 (C.D. Cal. 1997).
60. Jota v. Texaco, Inc., 157 F.3d 153 (2d Cir. 1998).
61. Kuwait v. The American Independent Oil Company, 21 ILM 9 (1982).
62. LIAMCO v. The Government of the Libyan Arab Republic, 20 ILM 1(1981) at 29.
63. Libananco Holdings Co. Ltd v. Republic of Turkey, ICSID Case No. ARB/06/8.
64. Liman Caspian Oil BV et, el. v. Republic of Kazakhstan, ICSID Case No. ARB/07/14.
65. Mamidoil Jetoil Greek Petroleum Products S.A. v. Republic of Albania, ICSID Case No. ARB/11/24.
66. Mobil Oil Iran Inc. et al, v. Government of Iran (IR), et al., IUSCT Case No. 74.
67. National Coalition Government of the Union of Burma v. Unocal, Inc., 176 F.R.D. 329 (C.D. Cal. 1997).
68. PanAmericanPetroleum Corp. v. Shell Oil Co., 455P.2d 12 (Alaska, 1969).
69. Parsons & Whittemore Overseas Co. v. Societe Generale de L'Industrie du Papier (RAKTA), 508 F.2d 969 (2d Cir. 1974).
70. Phillips Petroleum Co. Iran v. The Islamic Republic of Iran, IUSCT Case No. 39.
71. Petrobart Limited v. The Kyrgyz Republic, SCC Case No. 126/2003.
72. Petroleum Development Ltd. v. The Sheikh of Abu Dhabi, 18 ILR 144 (1951).

73. Reliance Group, Inc v. Oil Service Company of Iran, et el, IUSCT Case No. 115.
74. Ruler of Qatar v International Marine Oil Company Ltd, 20 ILR 534 (1953).
75. Sapphire International Petroleum v. National Iranian Oil Co., 35 ILR 136 (1963).
76. Saudi Arabia v. Arabian American Oil Company (ARAMCO), 27 ILR 117 (1958) .
77. Sequihua v. Texaco, Inc 945 F. Supp. 61 (S.D. Tex. 1994).
78. Social and Economic Rights Action Center & the Center for Economic and Social Rights v. Nigeria, Communication No. 155/96.
79. The Bodo Community and Others v. Shell Petroleum Development Company of Nigeria Ltd TCC 4-Jul-2014, ([2014] EWHC 2170 (TCC)).
80. Texaco Overseas Petroleum Company v. The Government of the Libyan Arab Republic, 53 I.L.M. 389 (1979).
81. Transport Oil Co. v. Exeter Oil Co. ltd, 84 Cal. App.2d 616, 191 P.2d 129.
82. United Central Oil Corporation V. Helm, 5 Cir., 11 F.2d 760, certiorari denied 271 U.S. 686.
83. Vance V. Hurley, 215 Ia. 805, 41 So.12 724 (1949).
84. Veteran Petroleum Trust (Cyprus) v. Russian Federation, PCA Case No. AA 228.
85. Wiwa v. Royall Dutch Petroleum Company and Shell Transport Ltd, 96 Civ. 8386 (S.D.N.Y. 1996).
86. Yanomami v. The Government of Brazil, 7615, IACHR 24, OSA/Ser.L/V/11.66, doc. 10 rev. 1 (1985).
87. Yukos Universal Limited v. The Russian Federation, PCA Case No. 2005-04/AA227.